

# زنان افغانستان، اشغالگران و طالبان

جمعیت انقلابی زنان افغانستان (راوا)



جمعیت انقلابی زنان افغانستان (راوا) سال‌ها علیه اشغال‌گری ایالات متحده سخن می‌گفت و اکنون که این جنگ به پایان رسیده است، طالبان بازمی‌گردد. آیا رئیس‌جمهور [جو] بایدن نیروهای آمریکایی را به گونه‌ای عقب کشیده که افغانستان را در وضعیت امن‌تری نسبت به امروز قرار می‌دهد؟ آیا او می‌توانست کارهای بیشتری بکند تا اطمینان حاصل شود که طالبان با این سرعت قادر به تسخیر قدرت نیست؟

در ۲۰ سال گذشته، یکی از خواسته‌های ما پایان اشغال‌گری آمریکا/ناتو بود و حتی بهتر این بود که آن‌ها تکنوکرات‌ها و بنیادگرایان اسلامی‌شان را هم با خود ببرند و بگذارند مردم ما خودشان سرنوشت خودشان را رقم بزنند. این اشغال فقط به خونریزی، ویرانی و هرج‌ومرج انجامید. آن‌ها کشور ما را به فاسدترین، ناامن‌ترین، مافیای مواد مخدر و خطرناک‌ترین مکان به‌ویژه برای برای زنان تبدیل کردند.

از همان ابتدا می‌توانستیم چنین نتیجه‌ای را پیش‌بینی کنیم. در نخستین روزهای اشغال افغانستان به‌دست ایالات متحده، ما چنین اعلام کردیم: «ادامه‌ی حملات ایالات متحده و افزایش تعداد قربانیان بی‌گناه غیرنظامی نه تنها بهانه به طالبان می‌دهد، بلکه باعث تقویت نیروهای بنیادگرا در منطقه و حتی در جهان می‌شود.»

دلیل اصلی مخالفت ما با این اشغال این بود که اشغال‌گران تحت لوای جذاب «جنگ علیه تروریسم»، از تروریسم پشتیبانی می‌کردند. از همان نخستین روزها، هنگامی که در سال ۲۰۰۲ غارتگران و آدم‌کشان ائتلاف شمال دوباره به قدرت رسیدند، تا آخرین مذاکرات به‌اصطلاح صلح، معاملات و توافق‌نامه‌ها در دوحه و آزادی ۵۰۰۰ تروریست از زندان‌ها در سال‌های ۲۰۲۰ تا ۲۰۲۱، کاملاً روشن بود که حتی خروج نیروهای آمریکا از افغانستان نیز پایان خوبی نخواهد داشت.

پنتاگون ثابت می‌کند که هیچ یک از تئوری‌های تجاوز یا دخالت نظامی آن در شرایط ایمن به سرانجام نرسیده است. همه‌ی قدرت‌های امپریالیستی به‌خاطر منافع استراتژیک، سیاسی و مالی خود به کشورها حمله می‌کنند اما از طریق دروغ‌ها و رسانه‌های قدرتمند شرکت‌ها میکوشند انگیزه و دستور کار واقعی خود را پنهان کنند.

شوخی است که بگوییم ارزش‌هایی مانند «حقوق زنان»، «دموکراسی»، «ملت‌سازی» و جز آن را بخشی از اهداف ایالات متحده/ناتو در افغانستان بودند. ایالات متحده در افغانستان بود که منطقه را به بی‌ثباتی و تروریسم تبدیل کند تا قدرت‌های رقیب، به‌ویژه چین و روسیه، را محاصره کرده و اقتصادهای آن‌ها را از طریق جنگ‌های منطقه‌ای تضعیف کند. اما، البته، دولت ایالات متحده خواستار چنین خروج فاجعه‌بار، ننگین و شرم‌آوری نبود که چنین هرج‌ومرجی در پی داشته باشد که ظرف ۴۸ ساعت مجبور شدند برای کنترل فرودگاه و تخلیه‌ی ایمن دیپلمات‌ها و کارکنان خود دوباره نیرو به این‌جا بفرستند.

ما معتقدیم که ایالات متحده در اثر ضعف‌های خودش از افغانستان خارج شده است، نه این که از دست‌پرورده‌های خودش (طالبان) شکست خورده باشد. دو دلیل مهم برای این خروج وجود دارد.

دلیل اصلی بحران داخلی چندگانه در ایالات متحده است. نشانه‌های افول سیستم ایالات متحده را در واکنش ضعیف به همه‌گیری کووید-۱۹، حمله به ساختمان کنگره و اعتراضات گسترده‌ی مردم آمریکا در چند سال گذشته مشاهده می‌کنیم. سیاست‌گذاران مجبور شدند نیروهای خود را بیرون بکشند تا بر مسائل حاد داخلی متمرکز شوند.

دلیل دوم آن است که جنگ افغانستان خیلی خرج برمی‌داشت و هزینه‌ی آن سر به تریلیون‌ها دلار زده بود که همه از جیب مالیات‌دهندگان برداشته می‌شد. این امر چنان ضربه‌ی سنگینی به مالیه‌ی آمریکا وارد کرد که مجبور شد افغانستان را ترک کند.

سیاست‌های جنگ‌افروزی ثابت می‌کند که هدف آن‌ها هیچ‌گاه ایمن‌تر کردن افغانستان نبود، چه برسد به حالا که از افغانستان خارج می‌شوند. علاوه بر این، آن‌ها نیز می‌دانستند که خروج پرهرج‌ومرج خواهد بود، اما آن‌ها همچنان پیش رفتند و این کار را کردند. اکنون به دلیل قدرت گرفتن طالبان بار دیگر افغانستان در کانون توجه قرار گرفته، اما این همان وضعیت ۲۰ سال گذشته است و هر روز صدها نفر از مردم

ما کشته می‌شده‌اند و کشورمان ویران می‌شده است، فقط رسانه‌ها کم‌تر آن را گزارش می‌کردند.

رهبری طالبان می‌گوید که حقوق زنان را مادامی که با شریعت اسلامی مطابقت داشته باشد، رعایت خواهند کرد. برخی رسانه‌های غربی این موضوع را با دیدگاه مثبتی ترسیم می‌کنند. آیا طالبان ۲۰ سال پیش همین را نگفتند؟ فکر می‌کنید نگرش آن‌ها به حقوق بشر و حقوق زنان تغییر کرده است؟

رسانه‌های شرکتی فقط سعی می‌کنند نمک بر زخم‌های مردم ویران‌شده‌ی ما بپاشند. آن‌ها باید شرم کنند که به این شیوه تلاش می‌کنند چهره‌ی خوبی از طالبان بسازند. سخنگوی طالبان اعلام کرد که هیچ تفاوتی بین ایدئولوژی آن‌ها در سال ۱۹۹۶ و امروز وجود ندارد. همچنین آن‌چه آن‌ها در مورد حقوق زنان می‌گویند همان عبارت‌هایی است که در دوران حاکمیت تاریک قبلی خود به کار می‌بردند: اجرای قانون شریعت.

این روزها طالبان در همه‌ی مناطق افغانستان اعلام عفو کرده و شعارشان این است که «در عفو لذتی است که در انتقام نیست.» اما، در واقع، آن‌ها هر روز مردم را می‌کشند. همین دیروز، پسری در ننگرهار به دلیل حمل پرچم سه‌رنگ ملی افغانستان به جای پرچم سفید طالبان کشته شد. آنان چهار مقام سابق ارتش را در قندهار اعدام کردند، آنان مهران پوپال، شاعر جوان افغان را در ولایت هرات به دلیل نوشتن پست‌های ضد طالبان در فیس‌بوک دستگیر کردند و مکان وی مشخص نیست. این‌ها تنها چند نمونه از اقدامات خشونت‌آمیز طالبان با وجود سخنان «زیبا» و صیقل‌یافته‌ی سخنگویان‌شان است.

اما معتقدیم ادعاهای آن‌ها می‌تواند یکی از نمایش‌هایی باشد که طالبان بازی می‌کند و فقط سعی می‌کنند وقت بیشتری خریداری کنند تا بتوانند خود را سازماندهی کنند. همه‌چیز خیلی سریع اتفاق افتاد و آن‌ها در تلاش هستند تا ساختار دولت خود را بسازند، دستگاه اطلاعاتی خود را بسازند و وزارت تبلیغات امر به معروف و نهی از منکر را ایجاد کنند.

[این وزارتخانه] مسئول کنترل کوچک‌ترین جزئیات زندگی روزمره‌ی مردم مانند طول ریش، قوانین لباس پوشیدن و داشتن محرم (همراه مرد، تنها پدر، برادر یا شوهر) برای یک زن را بر عهده دارد. طالبان ادعا می‌کند مخالف حقوق زنان نیست [به شرطی که] در چارچوب قوانین اسلامی/شرعی باشد.

قوانین اسلامی/شرعی مبهم هستند و نظام‌های اسلامی براساس منافع دستورکار و قوانین سیاسی خود به شیوه‌های مختلفی آن‌ها را تفسیر می‌کنند. علاوه بر این، طالبان هم مایل است غرب آن‌ها را به رسمیت بشناسد و جدی بگیرد و همه‌ی این ادعاها بخشی از ترسیم تصویری سفیدشویی شده از خودشان است.

شاید، بعد از چند ماه بگویند ما انتخابات برگزار می‌کنیم، زیرا به عدالت و دموکراسی اعتقاد داریم! این اداها هرگز ماهیت واقعی آنان را به‌عنوان بنیادگرایان اسلامی تغییر نمی‌دهد: زن‌ستیز، غیرانسانی، وحشی، ارتجاعی، ضد دموکراتیک و ضدترقی.

## چرا ارتش ملی افغانستان و دولت افغانستان تحت حمایت آمریکا به این

### سرعت از هم پاشیدند؟

برخی از مهم‌ترین دلایل عبارتند از:

(۱) همه چیز بر اساس قراردادی برای واگذاری افغانستان به طالبان انجام شد. دولت آمریکا در مذاکره با پاکستان و دیگر بازیگران منطقه‌ای موافقت خود را برای تشکیل دولتی عمدتاً متشکل از طالبان اعلام کرد. بنابراین سربازان آمادگی کشته‌شدن در جنگی را نداشتند که پیش‌تر پشت درهای بسته درباره‌ی آن تصمیم گرفته شده بود که طالبان به قدرت برسد. زلمای خلیل‌زاد [که مذاکرات ایالات متحده با طالبان را رهبری می‌کرد] به دلیل نقش خائنانه‌اش در بازگرداندن طالبان به قدرت در بین مردم افغانستان منفور است.

(۲) اکثر افغان‌ها به‌خوبی درک می‌کنند که جنگی که در افغانستان جریان دارد جنگ افغان‌ها و به نفع کشور نیست، بلکه توسط قدرت‌های خارجی و برای منافع استراتژیک خود ایجاد شده و افغان‌ها فقط گوشت دم توپ آن هستند. اکثریت جوانان

به دلیل فقر شدید و بیکاری به ارتش می‌پیوندند، بنابراین هیچ تعهد اخلاقی برای جنگیدن ندارند. ایالات متحده و غرب به مدت ۲۰ سال تلاش کرده‌اند تا افغانستان را یک کشور مصرف‌کننده نگه دارند و مانع رشد صنعت شده‌اند. این وضعیت موجی از بیکاری و فقر ایجاد کرد، راه را برای به کار گرفتن دولت دست‌نشانده، طالبان و افزایش تولید تریاک هموار کرد.

۳) نیروهای افغان آن‌قدر ضعیف نبودند که طی یک هفته شکست بخورند، اما از ارگ ریاست‌جمهوری دستور می‌گرفتند که در برابر طالبان عقب‌نشینی کنند و تسلیم شوند. اکثر ولسوالی‌ها به صورت مسالمت‌آمیز واگذار شد.

۴) رژیم دست‌نشانده‌ی حامد کرزای و اشرف غنی سال‌ها طالبان را «برادران ناراضی» می‌خواندند و بسیاری از بی‌رحم‌ترین فرماندهان و رهبران آن‌ها را از زندان آزاد کردند. درخواست از سربازان افغان برای مبارزه با نیرویی که نه «دشمن»، بلکه «برادر» نامیده می‌شود، طالبان را شجاع‌تر کرد و روحیه‌ی نیروهای مسلح افغانستان را درهم شکست.

۵) نیروهای مسلح به‌طور بی‌سابقه‌ای غرق فساد بودند. تعداد زیادی از ژنرال‌ها (اغلب جنگ‌سالاران وحشی سابق ائتلاف شمال) که در کابل نشسته بودند میلیون‌ها دلار به دست آوردند؛ آن‌ها حتی از غذا و دستمزد سربازانی که در خط مقدم می‌جنگند، کم کردند. «سربازان شبح‌وار» را بازرسی ویژه‌ی بازسازی افغانستان (SIGAR) افشا کرد. مقامات عالی‌رتبه مشغول پر کردن جیب خود بودند: آن‌ها حقوق و جیره‌ی دهه‌ها هزار سرباز ناموجود را به حساب‌های بانکی خود واریز کردند.

۶) هر وقت که در نبرد سنگینی نیروها در محاصره‌ی طالبان قرار می‌گرفتند، کابل درخواست کمک آن‌ها را نادیده می‌گرفت. در موارد متعددی، ده‌ها سرباز بعد از آن‌که هفته‌ها بدون مهمات و غذا رها شده بودند، به‌دست طالبان قتل‌عام شدند. بنابراین میزان تلفات نیروهای مسلح بسیار زیاد بود. اشرف غنی در مجمع جهانی اقتصاد (داووس ۲۰۱۹) اعتراف کرد که از سال ۲۰۱۴ بیش از ۴۵ هزار نفر از پرسنل امنیتی افغان کشته شده‌اند، در حالی که در همان دوره تنها ۷۲ نفر از پرسنل آمریکایی/ناتو کشته شدند.

۷) به طور کلی، فساد فزاینده، بی‌عدالتی، بیکاری، ناامنی، عدم اطمینان، تقلب، فقر گسترده، مواد مخدر و قاچاق و غیره، زمینه را برای ظهور مجدد طالبان فراهم کرد.

## هم‌اکنون، بهترین راه برای آمریکایی‌ها جهت کمک به جمعیت انقلابی زنان افغانستان، مردم افغان و حقوق زنان چیست؟

احساس می‌کنیم بسیار خوش اقبال و سعادتمند هستیم که در طول همه‌ی این سال‌ها امریکاییان شیفته‌ی آزادی را در کنار خود داریم. ما به آمریکایی‌ها نیاز داریم تا صدا و اعتراض خود را نسبت به سیاست‌های جنگ‌افروزان‌هی دولت خود بلند کنند و از تقویت مبارزه‌ی مردم در افغانستان علیه این وحشی‌ها پشتیبانی کنند.

مقاومت در سرشت بشر است و تاریخ گواه آن است. ما از نمونه‌های باشکوه مبارزه‌ی آمریکا در جنیش‌های «اشغال‌وال‌استریت» و «زندگی سیاهان مهم است» برخورداریم. ما مشاهده کرده‌ایم که هیچ میزانی از ستم، خودکامگی و خشونت نمی‌تواند مقاومت را متوقف کند. زنان بار دیگر به زنجیر نمی‌افتند! درست صبح روزی که طالبان به پایتخت وارد شدند، گروهی از زنان جوان شجاع ما بر دیوارهای کابل شعار «مرگ بر طالبان!» نوشتند. زنان ما اکنون از لحاظ سیاسی آگاه هستند و دیگر نمی‌خواهند زیر برقع زندگی کنند، کاری که ۲۰ سال پیش طالبان به‌راحتی انجام دادند. ما به مبارزه‌ی خود ادامه می‌دهیم و در عین حال راه‌هایی هوشمندانه برای حفظ امنیت خود پیدا می‌کنیم.

ما فکر می‌کنیم امپراتوری غیرانسانی نظامی آمریکا نه تنها دشمن مردم افغانستان که بزرگ‌ترین تهدید برای صلح و ثبات جهانی است. اکنون که این سیستم در آستانه‌ی افول است، وظیفه‌ی همه‌ی افراد و گروه‌های صلح‌دوست، مترقی، چپ و عدالت‌خواه آن است که مبارزه‌ی خود را با این جنگ‌افروزان وحشی در کاخ سفید، پنتاگون و کنگره تشدید کنند. جایگزینی این سیستم فاسد با سیستمی عادلانه و انسانی، نه تنها میلیون‌ها نفر از مردم فقیر و سرکوب‌شده‌ی آمریکایی را آزاد می‌کند، بلکه در هر گوشه‌ای از جهان تأثیر ماندگاری خواهد داشت.

اکنون، ترس ما این است که جهان افغانستان و زنان افغان را فراموش کند، همان‌طور که در زمان حکومت خونین طالبان در اواخر دهه‌ی ۱۹۹۰ این اتفاق افتاد. بنابراین، نهادهای ترقی‌خواه و آمریکایی نباید زنان افغان را فراموش کنند. ما صدای خود را بلندتر خواهیم کرد و مقاومت خود را ادامه می‌دهیم و برای دموکراسی سکولار و حقوق زنان مبارزه می‌کنیم!

گفت‌وگوی بالا از روی متن انگلیسی منتشر شده در پیوند زیر منتشر شده است:

[RAWA responds to the Taliban takeover](#)